

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: داور شایسته دارالشورای ملی

قیمت املاک

صفحه اول	مطری	۳
صفحه دوم و سوم		۲
صفحه چهارم		۱

محل اداره: طهران خیابان علاءالدوله

مردان آزاد

این روزنامه بدون نقاشی کتبی برای کسی ارسال نمیشود

وجه اشتراک:

سالیانه	۱۰۰۰	دخات
ششماهه	۵۰۰	خارجی
		بیلاوه اجرت پست

قیمت تک شماره تا یک ماه از شای است

باورداشت بومی

۲۵ دلو

بما میگویند اسلوب روزنامه شما بدون این محیط نپسازد. روزنامه ای که ایرانی به بسندد این نیست. مردم از بی انصافی زمامداران بشنودند آمده اند تا شاخه پارک و جمال اشراف ملت ششم کن را نصیبی کرده. کوه های بی رحم سبقت را برجه می ریزانند که اسم چردن اما همه را بشکین می کند. خوب است سبک را تغییر بدهید. لطایح افغان این اشراف بنی حسن و حیات را بشمارید. قارن کریمه این طبعه چاره ای را که زرد میور باید تا به ازاد برترکی ماب نظر نهد. طبعه بی نظیر و شایسته است.

را ندیده ایم = ملت نجیب بقدری مستاصل و مغلوب شده که رفته رفته کدا طبیعت میشود چون پرگرفته است حاضر نیست هیچکس نان داشته باشد از شدت فقر بهر که سائل بگفت نیست ترین میکند = فحش میدهد و منتظر است همه با او در فحش و تفرین هم اواز بشوند. ولی حاصل این کار چیست؟ از ملت باغیانه فراهی چه نتیجه خواهند برد؟ بقیده ما انصاسات ملت بلاغت را میزبان کار نباید گرفت = در دوش را باید هوا کرد.

فکر برداشتن اشراف و وضع ظلم از بابا جور جز انقلاب وقت شیب هیچ ندارد در صدد تولید کلد و ایجاد ثروت نباید بود. بنفین امروز ملت از تمدنی و احتیاج نیست = ایرانی پیش از اینها ظلم نمی کرده: درد همه از پریشانی است. ظلم را میشود تحمل کرد. گرسنگی است که طاقت از همه میرد. بیست سال قبل آسایش عموم بیشتر بود = کسی هست بگوید که دران زمان عدالت و انصاف بیشتر میدیدیم؟ او آخر دوره استبداد مردم کمتر از امروز شکایت داشتند چرا؟ کار به بالنسبه = بیشتر بود.

قائدین انقلاب ایران لقب آزادی و برای مردم گرفته اند و توانستند زندگی مادی مردم را بهتر کنند. ملت بی مایه ماند = از ادب حرف شد. جنگ عمومی عالم را بهم زد = ملت بگرسنگی افتاد فقر را علاج نکردند. ملت هولی در آمد. اگر تشخیص ما بگفتا نیست = اگر درد همین است = در عوض همه چیز سی باید کرد دولت ایران را اباد و مردم را صاحب نان بنید.

بالاخره (۱) دولت بدجلس امده ولی تا نام هنوز دو قدر از وزراء تعیین

شده اند. ما میل داشتیم با قاضی مستوفی تبریک بگوئیم = وجدان ما نمیگذارد. این همه معاملی براسه پیدا کردن سه چهار وزیر است. این هم وزیرانی که خود ما نیم با وجود چندین بار وزارت هیچوقت کار مهمی نکرده اند. راست است که دو سه نفر از این اقا مال ادم های نازیبی هستند = اما کابینه نازنین بدرد نمیخورد = وزیرانیه کارشیه لازم است. داور

سیاست و تجارت

(دویم) دولت وقت آلمان را که هم میدانیم آلمان به بیست و پنج عسکرت تقسیم شده. در بیان جنگ حکومت این عسکرت بیست اجنبیون افتاد. طبع سرمایه دار تقاضی کرد و حکومت را رفته رفته از دست آن ها برده. چند روز قبل (روز) اطلاع داد که آلمان حکومتی که در دست اجنبیون بود یعنی حکومت شکست خاستگی = ساقط شد. پس دولت فعلی آلمان دوباره در دست سرمایه دارها است. اگر به متفقین سرمایه داره شود قسمت همه آن را سرمایه داران باید بپردازند. برای این است که دولت آلمان مردم را تحریک به مقاومت میکند. زیرا امید وار است بدین ترتیب متفقین را از دریافت خرابی طایف مایوس سازد. پس از آن = این طور پیش خود حساب میکنند. معانی خواهد پرداخته و مثله را خاتمه خواهد داد.

بقیده ما مقاومت برای آلمان بشر است. از یک طرف بر خشونت اشغال کننده می اتواید از طرف دیگر طبقه کارگر را بر علیه دولت می انگیزد هر کوان آلمان خواهد صکت سرمایه داران با دست جنگ ۱۹۱۴ شده علاوه دست از گریبان ما بر می دارند. میخواهند بوسیله انحصارات از داده خرابی صاف شوند. بر حسب اخبار تلگرافی و وسای تلگراف آلمان با آنها تا بیکدیگر کشد که آلت هست واقف تدوین با فراکسی ها سازش کند. بقیده ما مقاومت از طرف آلمان برخلاف انصاف است. چرا؟ زیرا آلمان بهتارجه مقروضی نیست: قروضی که از ما خا خا خود کرده بواسطه نازل ملک از میان رفته. از جنگ آسیبی به خاکس

برای آنکه از فکر خانم های صاحب فله استقامت کنیم موضوع ذیل را بصافه می گذاریم. جواب ها باید تا دم حوت بدارد برسد. هر جواب باید بقدری مؤخر باشد که بیش از یک سالون روز نامه را نگردد. پس از آنکه جواب ها رسیدند بدرج شد = اداره حقیقی را تعیین خواهد کرد که همه آن ها را با این طرف و دخت کند مطالعه و سه جوابی را که از همه بهتر است انتخاب کند. هر یک از آن ها جواب جایزه بدهیم خواهد شد. جایزه اول = یک تاجیه کوچک خاتم. جایزه دوم = یک جلد اخته نظامی. جایزه سوم = یک تاجیه عسکرتانم. موضوع مسابقه سره باید چه صفاتی داشته باشد تا بتوان گفت شومر خوبی است. ۱۰۰۰ تومان

وزیران نامده به فکر خطه جانی دست دشمن شریفند. اما متفقین از قرآن و بلاغت با هم یگان خطه مطربه نمی آین. دولت وقت را آلمان باید بدرد کند. حکم انصاف این است. بالاخره جاودت آلمان با این است. این مطالب در وقت ملوک هر روز تیرل میاید. بیست و چهارمین طبعه وارد میاید. کله گران میشود. عدلی کرگرمی خواهد شد. برای انقلاب نیه میشود. شاید جنگ اتمام هم بوجود آید. باید امید وار بود که سرمایه از کاره گیری دست کشد و در امور اروپا ملاحظه کند. در این صورت محبت مثال محتمل تر خواهد شد.

دارالشورای ملی

خلاصه مذاکرات در جلسه یوم شنبه ۲۵ دلو ۱۳۴۱ مجلس دو ساعت بطرف در وقت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل شد. لایحه قانونی شورای دولتی مطرح و ماده ۳۱ و ۳۲ فراتر می از مذاکرات اصلی از طرف مخالفین و موافقین وقایع بودن مذاکره پیش نهادت واسه قرأت و بگمبون انجام شد. آقای رئیس الوزراء که به مجلس شریف آورده بودند = اظهار داشتند تشکیل هیئت فوات با که اعلیحضرات جایزینی ۹ بنده اس و مجول نموده بودند. بنده به این قسم تعیین و بعضی مجلس امپاسلم. آقای نژاد را به شدت وزیر جنگ = آقای حاج محتمن السلطنه = وزیر معارف. آقای ذکاء الملک = وزیر امور خارجه = آقای نصر الملک = وزیر مایه = آقای عجاز الملک = وزیر عدلیه = وزارت

ملاحظه را ملاحظه کرده همه کارگر و کارگر فرایده و تواریک و تنظیمات حدیله و سمن و مرتضی بعضی خواهان رعایت آقای مستشار السلطنه عرض میاید و اظهار داشتند که کمترین است ملاحظه مطرح است و بعضی است که ملاحظه تیار طهران و سایر جاها ملاحظه میاید. اندر جهت محرم دولت و احتیاجات مردم این مجلس که اهم مسائل است. دولت محرم بر میاید. آقای رئیس الوزراء اظهار داشتند که یک عکس دیگر بر کار مجلس ملاحظه شد ملاحظه خواهید فرمود که این مجلس در این مورد به هر کار است و در نهایت جهت محرم دولت است و بعضی گفتند از محرم دولت آن ملاحظه به شدت ملاحظه

آقایان باید محرم حقیقی طلبا حقیقی و نشان داده عهد ولی میرزا شرمه میی بر فکر از آقای وزیر جنگ و اظهار محرم وقت از صحبت ایشان دور کابینه بیان و آقای دانش بطرف تفکر بدولت چند فقره راجع بهقرآن اظهار و آقای رئیس فرمودند که هیچوقت سابقه نداشته است که بعد از معرفی وزراء این طور تقاضا ها و استنانات شود (از طرف آقایان صحیح است) این صحبت ها با بل وقت پرو سگرام است (صحیح است)

آقای دانش اظهار داشتند که به آقای مستشار السلطنه اجازه داده شده بود = آقای رئیس فرموده به ایشان اجازه داده شده بود چون خیالی می کردم نمی خواهد تریب بگویند سایر آقایان هم همین طور حالا اسکر مجلس می خواهد به دیگران هم اجازه بدم. (از طرف آقایان صحیح است) سپس آقای رئیس مجلس را برای نفس تمطیل و مجددا پس از نیم ساعت تشکیل گردید

